به نام خدا  
30 آذر 1398  
جناب آقای روحانی ، رییس‌جمهور محترم  
موضوع: مخالفت با طرح انتقال آب دریای خزر به فلات مرکزی ایران  
  
با سلام  
با توجه به این که چندی پیش سخنگوی دولت محترم اعلام کردند که جنابعالی اصراری بر اجرای طرح انتقال آب از دریای خزر به استان سمنان نداشته‌ و به نظر کارشناسان احترام می‌نهید، ما امضاکنندگان این نامه، شامل گروهی متخصص دانشگاهی و کنشگر در زمینه‌های آب، کشاورزی، محیط زیست، منابع طبیعی، اقتصاد، زمین‌شناسی، جغرافیا، زلزله، جامعه‌شناسی...، در مقام شهروندان عادی دغدغه‌مند حال و آیندۀ ایران که به نهادهای دولتی و بنگاه‌های اقتصادی بزرگ وابستگی نداریم، دلایل مخالفت خود را با طرح انتقال آب خزر به کویر مرکزی به شرح زیر اعلام می‌داریم:   
  
1- دلایل اقتصادی؛ طبق برآوردهای اولیه، صرفنظر از خسارت‌های سنگین محیط زیستی، حدود بیست هزار میلیارد تومان برای اجرای این طرح لازم است؛ تجربه هم نشان داده که این هزینه چند بار افزایش خواهد یافت. در شرایط نیمه‌کاره ماندن صدها طرح در کشور به علت کمبود بودجه، و به دلیل مبهم بودن گزارش هزینه-فایدۀ طرح، پایین بودن راندمان مصرف آب درکشاورزی با شیوه‌هایی که اکنون در کشور متداول است، ضرورت جلوگیری از اسراف منابع مالی در شرایط تحریم‌، و به این دلیل که همچنان بیشترین میزان آب مصرفی کشور صرف تولید محصولات پرحجم و نسبتاً کم‌قیمت می‌شود و کار ناچیزی در زمینۀ اشتغال‌ها و ثروت‌آفرینی‌های پربازده صورت گرفته، صرف بودجه‌ای چنین عظیم برای انتقال دویست میلیون مترمکعب آب هیچ توجیهی ندارد. با یک حساب ساده می توان دریافت که با بیست هزار میلیارد تومان می‌توان به هر خانوار سمنانی بیش از یک میلیارد ریال اختصاص داد؛ آیا مدیریت استان نمی‌تواند با برنامه‌ریزی، این سرمایۀ عظیم را صرف فراهم ساختن زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری متناسب با اقلیم و استعدادهای بومی استان سمنان کند تا تحولی بزرگ در اقتصاد و رفاه آنجا رخ دهد؟ بدیهی است که اگر رفتارها با منابع آب تغییر نکند، عرضۀ آبِ بیشتر فقط سبب ادامۀ روند کنونی، و افزایش فساد و بی‌اعتنایی به ارزش این نعمت خداوندی می‌شود.   
در همین زمینه، جای پرسش است که با توجه به هزینه‌های سنگینی که صرف سوخت برای پمپاژ این حجم از آب خواهد شد، و همچنین درنظر گرفتن هزینه‌های دائمی برای نگهداری تأسیسات پیچیدۀ نمک‌زدایی و انتقال، طراحان پروژه چه دلایلی در توجیه آن دارند؟  
  
2- دلایل امنیتی؛ با توجه به این که جمهوری اسلامی ایران، باوجود شرایط ناپایدار منطقه و انواع فشارهای خارجی، تاکنون از ثبات و امنیت خوبی برخوردار بوده و حفظ این ثبات خواست همۀ ایرانیان است، هرگونه اقدامی که به اختلاف‌های داخلی دامن بزند، عملی ناشایست خواهد بود. مردمان مناطق حاشیۀ دریای خزر و سمنان، از قرن‌ها پیش مراوده و همبستگی عمیقی داشته و مبادله‌های اقتصادی و اجتماعی خود را برپایۀ استعدادهای دو منطقۀ کاملاً متفاوت به‌خوبی و برپایۀ بُرد بُرد تنظیم می‌کرده‌اند. اما، طرح انتقال آب از دریای خزر به سبب این که تأثیرات بسیار سنگینی بر زیست انسانِ حاشیۀ دریای خزر دارد، با واکنش سخت اهالی استان‌های شمالی روبرو است. ضمن آن که حداکثر یک توسعۀ ناپایدار با اثرات محلی کم‌دامنه در مقصد ایجاد خواهد کرد، اما به علت ایجاد توهمِ موجود بودن آب، می‌تواند اهالی استان سمنان را از اتکا به پتانسیل‌های منطقۀ خود منحرف سازد که این امر مخل امنیت درازمدت اجتماعی آنان خواهد بود. یادآور می‌شود که بسیاری از امضاکنندگان این نامه، اهل استان‌ سمنان و دیگر مناطق کویری هستند.   
از جنبۀ پدافند غیرعامل هم لازم است توجه داشته باشیم که طرح‌های بزرگ انتقال آب، به ویژه چنین طرحی که قرار است با گذر لوله‌های عظیم از ده‌ها کیلومتر مسیر کوهستانی اجرا شود، آسیب‌پذیری کشور در برابر حملات تروریستی یا خارجی، بهانه‌جویی‌های کشورهای همسایه، و خطرات طبیعی مانند زمین‌لرزه و رانش زمین را به‌شدت افزایش می‌دهند.   
  
3- دلایل اجتماعی؛ از منظر سیاست داخلی، اجرای طرح انتقال آب خزر با سخنان حضرتعالی در مبارزه‌های انتخاباتی مبنی بر ضرورت جلوگیری از بی انضباطی مالی، ریخت‌وپاش بودجه، و بی‌توجهی به مسایل محیط زیستی در دولت‌های پیشین مغایرت دارد. این طرح همچنین با سخنان جنابعالی در افتتاحیۀ «همایش بین‌المللی مبارزه با گردوغبار» (تهران 12 تا 14 تیر 1396) که به عواقب منفی طرح‌های سدسازی و انتقال آب اشاره کردید، و نیز با سخنان وزیر محترم نیرو در «اجلاس هم‌اندیشی با متخصصان علوم آب و محیط زیست» (پژوهشگاه نیرو، دهم اسفند 96) که ضرورت مدیریت مصرف به جای عرضۀ بیشترِ آب را یادآور شدند، مغایرت دارد. این دوگانه‌گویی‌ها، قطعاً سبب تضعیف اعتماد عمومی و سرمایۀ اجتماعی خواهد شد، به‌ویژه آن که تشکل‌های محیط زیستی و بسیاری از دیگر جریان‌های اجتماعی، به شدت مخالف اجرای

طرح هستند.  
  
4- دلایل مبتنی بر ارزیابی تطبیقی؛ پژوهش‌های پرشمار توسط متخصصان مستقل که در منابع مختلف در دسترس هستند، و همچنین گزارش‌هایی که توسط سازمان بازرسی کل کشور تهیه شده، نشان‌دهندۀ این است که بیشتر طرح‌های بزرگ سدسازی و انتقال آب فقط به درصد کوچکی از هدف‌های اعلام شدۀ اولیه دست یافته یا اصلاً به آن هدف‌ها نرسیده‌اند. در مقابل، همۀ این طرح‌ها، اثرات و عواقب سنگین اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند. در چنین شرایط، ضرورت دارد که کارنامۀ وزارتخانۀ مسئول تأمین آب که باوجود سرمایه گذاری‌های کلان مادی نتوانسته مدیریت شایسته‌ و وضعیت پایداری را برای منابع آب فراهم سازد، مورد بازنگری انتقادی قرار گیرد تا شیوه های پرخطای گذشته به شکل بنیادی اصلاح شود.  
به عنوان فقط یک مثال، به سیل‌های اسفند و فروردین گذشته اشاره می‌کنیم که نشان داد با وجود صدها سد که با صرف ده‌ها میلیارد دلار هزینه ساخته شده و در اسناد اولیۀ بیشتر آن‌ها «مهار سیل» یکی از توجیهات بوده، آسیب‌پذیری جوامع محلی در برابر سیل نه‌تنها کمتر نشده بلکه بسیار هم افزایش یافته است؛ به‌ویژه آن که تغییرات اقلیمی کرۀ زمین و افزایش «شرایط حدّی»، سیل‌ها و خشکسالی‌های ناگهانی را بیشتر کرده است.  
یادآور می‌شود که طرح‌های بزرگ انتقال آب دیگری که در جهان اجرا شده (و غالباً انتقال آبِ شیرین رودخانه‌ها بوده) موجب بروز تغییرات فاجعه‌بار در سرزمین‌ها شده‌اند. در این زمینه، طرح‌های انتقال آب در شوروی سابق و چند کشور افریقایی که موجب خشک شدن دو دریاچۀ عظیم آرال و چاد شد، به نمونه‌های شاخص در نشان دادن اثر مخرب دستکاری‌های بزرگ بشری در زمین بدل شده‌اند.   
  
5- دلایل مربوط به قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی؛ طرح انتقال آب از دریای خزر مصداق بارز تخطی از اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی است که فعالیت اقتصادی همراه با «تخریب غیرقابل جبران محیط زیست» را ممنوع دانسته است. این طرح، همچنین به علت آن که سالانه در حدود تولید یک نیروگاه پانصد مگاواتی برق مصرف خواهد کرد، مغایر با تعهدات ایران در «کنوانسیون تغییرات آب‌وهوا» مبنی بر کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای است. یادآور می‌شود که ایران، یکی از بالاترین نرخ‌های انتشار گازهای گلخانه‌ای در جهان را نسبت به تولید ناخالص داخلی دارد.  
  
6- دلایل مربوط به محیط زیست و منابع طبیعی؛ استدلال‌هایی که از سوی حامیان طرح عنوان می‌شود، مانند این که در این طرح فقط چهل هکتار جنگل از بین می‌رود یا سالانه فقط دویست میلیون مترمکعب آب از دریا برداشت می‌شود، گذشته از این که کوچک‌سازی ابعاد طرح و تجاهل‌العارف نسبت به خطرات کار است، ساده‌سازی موضوع حیات طبیعی که برمبنای سیستم‌های بسیار پیچیدۀ خلقت عمل می‌کند هم هست. از آن‌جا که درک کامل این سیستم‌ها برای انسان درعمل ممکن نیست، ضرورت دارد که هرگونه دستکاری در طبیعت با حداکثر احتیاط ممکن صورت گیرد. شیرین‌سازی آب در ساحل یک دریاچه یا دریای بسته، اثرات سنگینی بر آب‌های کناره که تا حد زیادی مسئول حیات کل پهنۀ آب است، برجا می‌گذارد. امروزه دریای خزر گرفتار آلودگی سنگین ناشی از دفع پساب چندهزار روستا و شهر، پساب نیروگاه نکا (که در نزدیکی مکان درنظر گرفته شده برای برداشت آب دریا قرار دارد)، دفع غیراصولی زباله، فعالیت‌های نفتی، و پرورش ماهی در قفس است. اضافه کردن پسابِ دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن‌ قطعاً اثر تجمعی بر این آلودگی‌ها خواهد داشت. با توجه به بسته بودن دریای کاسپین، افزایش هر مقدار آلودگی، خطر انقراض ماهیان خاویاری، کیلکاماهیان، ماهی آزاد، (و فوک خزری) را که هم‌اینک نیز در شُرف انقراض هستند، تشدید خواهد کرد و بر فعالیت‌های صیادی، اثر منفی زیادی خواهد گذاشت. گسستگی دو بخش جنگل بر اثر عبور خط انتقال نیز موجب برهم ریختن نظم خدادادیِ رویشگاه در پهنه‌ای به وسعت صدها برابر خط گسست می‌شود. جنگل‌های هیرکانی که بخش سالم آن‌ها وسعتی کمتر از یک درصد خاک ایران دارد، به عنوان یک میراث ملی و بشری، و به عنوان یک جاذبه‌ی گردشگری که نقش اساسی در اقتصاد استان‌های شمالی کشور دارد، نیازمند مراقبت کامل است و نه آن که هر چند وقت یک‌بار با توجیهاتی مانند ضرورت اشتغال‌زایی و توسعه، بخشی از آن تخریب شود.   
بررسی دقیق گزارش ارزیابی توسط مشاور طرح نشان می‌دهد که اطلاعات این گزارش غلط است و ابعاد مخرب اجرای طرح بررسی نشده است. همچنین، با توجه به این که بخش زیادی از مسیر موردنظر کوهستانی است، یادآور می‌شود که حساسیت زیستبومی محیط‌های کوهستانی بسیار بالا است و این محیط‌ها مستعد رانش و فرسایش هستند. از آنجا که کوه‌ها برای کشور خشک ما از جنبۀ تولید آب اهمیت بسیار دارند و دستکاری در آن‌ها به‌طور معمول موجب تخریب‌های شدید و به‌هم ریختن آبراهه‌ها می‌شود، اجرای چنین پروژۀ عظیم، با هدف اعلام‌شده که تأمین آب است مغایرت دارد.  
  
در پایان توجه حضرتعالی را به این نکتۀ مهم جلب می‌کنیم که حفظ یکپارچگی این سرزمین، نیازمند توجه جدی به آمایش سرزمین و توسعۀ متناسب با استعدادهای ذاتی هر منطقه است. در کشوری با تنوع اقلیمی و استعدادی، چیدمان توسعه نباید به سوی ایجاد جزیره‌های مجزای استانی و فراهم کردن همۀ امکانات صنعتی، کشاورزی، گردشگری و دانشگاهی در تک‌تک استان‌ها باشد. شما به عنوان کسی که سال‌ها دبیر شورای عالی امنیت کشور بوده‌اید نیک می‌دانید که بهترین راه حفظ یکپارچکی کشور، برقرار ساختن پیوندهای فرهنگی و اقتصادی میان مناطق مختلف کشور در عین توجه به تفاوت‌های اقلیمی و استعدادهای هر منطقه است. لذا ضرورت دارد که از رقابت ناسالم میان استان‌ها برای به دست آوردن امکاناتی که توانمندی ذاتی آن را ندارند، جلوگیری شود. طبیعی است با شروع این پروژه، رییسان جمهوری که در سال‌های آینده از استان‌های دیگری مدیریت کشور را به عهده خواهند گرفت، در فشار از سوی هم‌استانی‌ها مجبور به موافقت با پروژه‌های مشابه خواهند شد. چنان‌که امکان دارد کشورهای همسایه نیز تشویق به دستکاری‌های مشابه در دریای خزر شوند.  
با توجه به این موارد، خواهشمند است دستور توقف کامل هرگونه عملیات در ارتباط با طرح انتقال آب از دریای خزر به استان سمنان را صادر فرمایید. تردیدی نیست که اجرای این طرح، و ادامه دادن شیوه‌های پیشین مدیریت آب (که متأسفانه در لایحۀ بودجۀ سال 1399 هم مشهود است) نه‌تنها مشکلات منابع آبی سمنان و دیگر استان‌ها را حل نخواهد کرد، بلکه کشور را با معضل‌های پیچیده‌تری روبرو خواهد ساخت.  
  
ثمر مرتضوی، عضو هیئت علمی و معاون دانشکدۀ منابع طبیعی دانشگاه ملایر  
حجت میان‌آبادی، پژوهشگر دیپلماسی آب و استادیار دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس  
شهرام شفیعی بانج، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
مهتا بذرافکن، مدرس دانشگاه، جامعه‌شناس و پژوهشگر حوزۀ اجتماعی آب  
احمد رحمانی، رییس انجمن اعضای هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
مژگان جمشیدی، کارشناس ارشد محیط زیست، روزنامه‌نگار  
زهرا قلیچی‌پور، متخصص محیط زیست و عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری  
حمید درودیان، استادیار اکولوژی کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لاهیجان  
محمود معلمی، استادیار بازنشستۀ پژوهش در مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
مهدی معتق، استاد مرکز علوم تحقیقات زمین دانشگاه لایبنیتز آلمان  
حسین آخانی، استاد زیست‌شناسی دانشگاه تهران  
عبدالحسین وهابزاده، بوم‌شناس  
کاوه فرهادی، عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور و مدرس رشتۀ مدیریت و کارآفرینی  
بیژن فرهنگ دره‌شوری، بوم‌شناس  
احمد آل‌یاسین، پژوهشگر حوزۀ آب و توسعۀ پایدار  
اویس ترابی، مدرس دانشگاه و متخصص حوزۀ آب و محیط زیست  
محمدحسین ایران‌نژاد پاریزی، عضو هیئت علمی دانشکدۀ منابع طبیعی دانشگاه یزد  
عطاءالله ابراهیمی، دانشیار دانشکدۀ منابع طبیعی دانشگاه شهرکرد  
فرهاد کی‌مرام، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات علوم شیلاتی  
دلاور شهباززاده، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات علوم شیلاتی  
شهرام دادگر، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات علوم شیلاتی  
شهلا جمیلی، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات علوم شیلاتی  
مسعود مولانا، دبیر شبکۀ تشکل‌های محیط زیست و منابع طبیعی  
مسعود برهانی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان اصفهان  
مهدی زارع، مدیر گروه زلزله‌شناسی پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی  
حمیدرضا عباسی، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
پریسا پناهی، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
مهدی فرحپور، دانشیار پژوهش، بازنشستۀ مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
مجتبی پاکپرور، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس  
نصرت‌الله صفاییان، استاد بازنشستۀ بوم‌شناسی دانشگاه مازندران  
عباس محمدی، کنشگر محیط زیست و پژوهشگر حوزۀ کوهستان  
مریم شکری، استاد بازنشستۀ گیاه‌شناسی دانشگاه مازندران  
احمد ستوده، دانشیار دانشکدۀ محیط زیست دانشگاه یزد  
سید علیرضا موسوی، استادیار دانشکدۀ منابع طبیعی دانشگاه صنعتی اصفهان  
حسین محمودی، عضو هیئت علمی پژوهشکدۀ علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی  
خدیجه گلین مقدم، مدرس دانشگاه فرهنگیان، کنشگر محیط زیست  
رضا اخوان، عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
انوشیروان شیروانی، دانشیار دانشکدۀ منابع طبیعی دانشگاه تهران  
غلامرضا امینی رنجبر، عضو هیئت علمی و رییس پیشین مؤسسۀ تحقیقات شیلات و آبزیان، و عضو هیئت علمی مؤسسۀ تحقیقات خاک و آب  
محمد خسروشاهی، رییس بخش تحقیقات بیابان در مؤسسۀ تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور  
رحیم ملک‌نیا، جنگل‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان  
محمد درویش، رییس کمیتۀ محیط زیست در کرسی سلامت اجتماعی یونسکو  
حسن روحی‌پور، دانشیار پژوهش، سردبیر فصلنامۀ علمی پژوهشی تحقیقات بیابان  
کامبیز مشتاق گوهری، عضو هیئت علمی دانشگاه

ان و بلوچستان، مدیرکل پیشین دفتر طرح‌های کالبدی وزارت راه و شهرسازی  
عارف اقوامی مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، نویسنده در حوزۀ مدیریت شهری  
سیدآهنگ کوثر، استاد بازنشستۀ پژوهش آبخوانداری  
مهرداد محمدنیا، دانشیار بازنشسته و متخصص خاک‌شناسی   
غلامرضا چابکرو، استاد اقتصاد دانشگاه سلطان قابوس عمان  
غلامرضا باژیان، متخصص اکولوژی مرتع  
محسن بذرافشان، دانشیار پژوهش و متخصص اصلاح نباتات  
ماشاالله حسینی، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان فارس  
سیدحمید مصباح، پژوهشگر و متخصص آبخیزداری  
سیدمرتضی مرتضوی، پژوهشگر و متخصص جنگل‌شناسی  
مظاهر صفدریان، متخصص تغذیۀ دام  
منصور اسفندیاری بیات، مهندس منابع آب  
ناصر عبداللهی‌پناه، متخصص مرتعداری  
آرمان بخشی جهرمی، متخصص ترویج کشاورزی، گرایش قوانین آب  
اصغر عبدلی، دانشیار جانورشناسی آبزیان، پژوهشکدۀ علوم محیطی دانشگاه شهید بهشتی  
علی سرزعیم، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی  
مرتضی جمالی، دیرنه‌بوم‌شناس موسسۀ تحقیقات اکولوژی و تنوع زیستی مدیترانه، فرانسه